

### ۵۴ - نوع دین و خصائص و فرائض و قوی و موسسش

و نیز از حضرت عبداله‌ء در مفاوضات است قوله العزيز اين مربي بيشك و شبهه بايد در جميع مراتب كامل و ممتاز از جميع بشر باشد ... نظم و تمشيت امور جسماني دهد و هيئت اجتماعيه تشكيل كند تا تعاون و تعاضد در معشيت حاصل گردد ... تاسيس تربيت انساني كند يعني بايد عقول و افكار را چنان تربيت نمايد كه قابل ترقيات كلييه گردد و توسيع علوم و معارف شود و حقايق اشياء و اسرار كائنات و مشروعات ازدياد يابد و از محسوسات استدلال و انتقال بمعقولات برد و همچنين تربيت روحانيه نمايد تا عقول و ادراك بي بعالم ما وراء الطبيعه برد و استفاضه از نفحات مقدسه روح القدس نمايد و بملاء اعلى ارتباط يابد و حقايق انسانيه مظاهر سنوحات رحمانيه گردد تا آنكه جميع اسماء و صفات الهى در مرآت حقيقت انسان جلوه كند .. و اين معلوم است كه قوه بشريه از عهده چنين امر عظيم بر نيابد و بنتايج فكريه تكفل چنين مواهب نتوان نمود شخص واحد چگونه تاسيس اين بنيان رفيع بي ناصر و معين تواند پس بايد قوه معنويه ربانيه تائيد كند تا بتواند از عهده اين كار بر آيد يك ذات مقدس انساني را زنده كن و هيئت كره ارض را تغيير دهد ... و اساس بديع وضع نمايد نظم عالم دهد و ملل و امم را در ظل رأيت واحده آرد خلق را از عالم نقائص و رذائل نجات دهد و بكمالات فطريه و اكتسابيه تشويق و تحريص نمايد البته اين قوه بايد قوه الهيه باشد ... امرى را كه جميع ملل و دول عالم با جميع قوى و جنود ترويج نتوانند و اجراء نكنند يك نفس مقدس بي ناصر و معين اجراء نمايد آيا اين بقوه بشريه ممكن است لا و الله .

و قوله العزيز مظاهر كلييه الهيه مطلع بر حقايق اسرار كائنات اند لهذا شرآيعى تاسيس نمايند كه مطابق و موافق حال عالم انساني است زيرا شريعت روابط ضروريه است كه منبعث از حقايق كائنات است مظهر ظهور يعنى شارع مقدس تا مطلع بحقايق نباشد روابط ضروريه كه منبعث از حقايق ممكنات است ادراك ننمايد البته مقتدر بوضع شريعتى مطابق واقع و موافق حال نگرده انبياء الهى مظاهر كلييه اطباء حاذق اند و عالم امكان مانند هيكل بشرى و شرآيع الهيه دوا و علاج پس طبيب بايد كه مطلع و واقف بر جميع اعضاء و اجزاء و طبيعت و احوال مريض باشد تا آنكه دوائى ترتيب دهد كه نافع بسم نافع گردد فى الحقيقه حكيم دوا را از نفس امراض عارضه بر مريض استنباط كند زيرا تشخيص مرض نمايد بعد ترتيب علاج علت مزمنه كند تا تشخيص مرض نشود چگونه ترتيب علاج و دواء گردد پس بايد طبيب بطبيعت و اعضاء و اجزاء و احوال مريض نهايت اطلاع داشته باشد و بجمع امراض واقف و بكافه ادويه مطلع تا آنكه دواى موافقى ترتيب دهد پس شريعت روابط ضروريه است كه منبعث از حقايق كائنات است و مظاهر كلييه الهيه چون مطلع باسرار كائنات اند لهذا واقف بآن روابط ضروريه و آنرا شريعه الله قرار دهند .